

رفتن به سینما




 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Sam Saf

 3

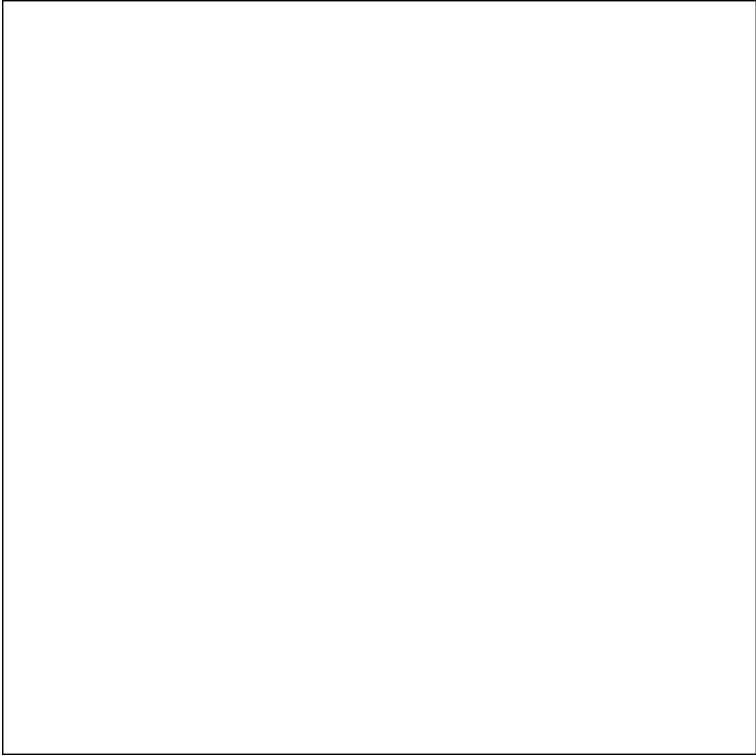
 فارسی fa

هی، دنجل یه فیلم میگرده که تهنته کنه. اون میخواد ب‌دوست صمیمیش،
لیزا، بره سینه.

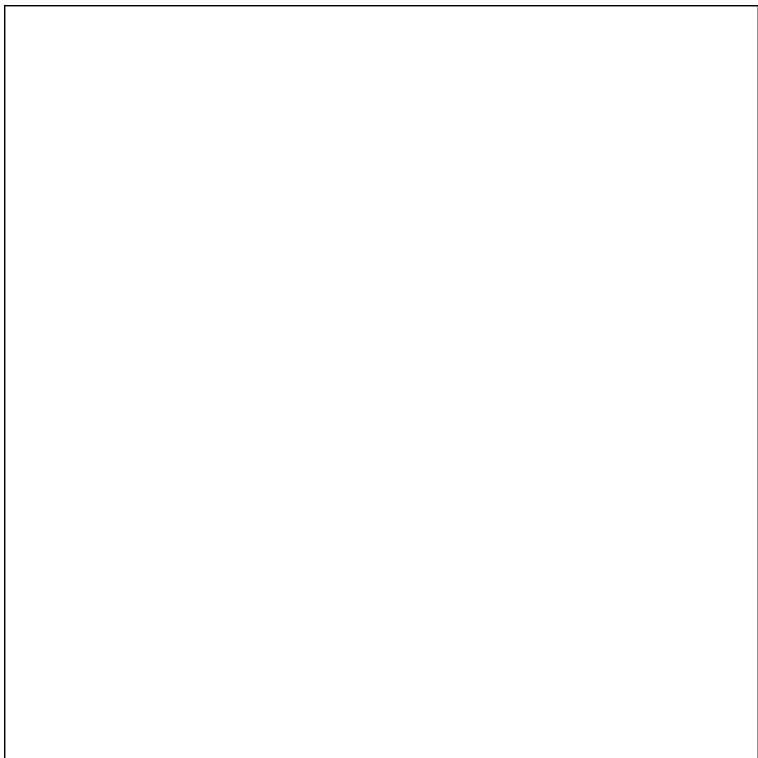
هی، بـ موتور اسکوترش می‌ره سینـه. اونـه قرار گذاشتن که همدیگه رو
اونـه ببینن.

اونج همدیگه رو تو سینه میبینن و بهم سلام میکنن. اونج واسه تهنیتی
فیلم هیجنزده هستن.

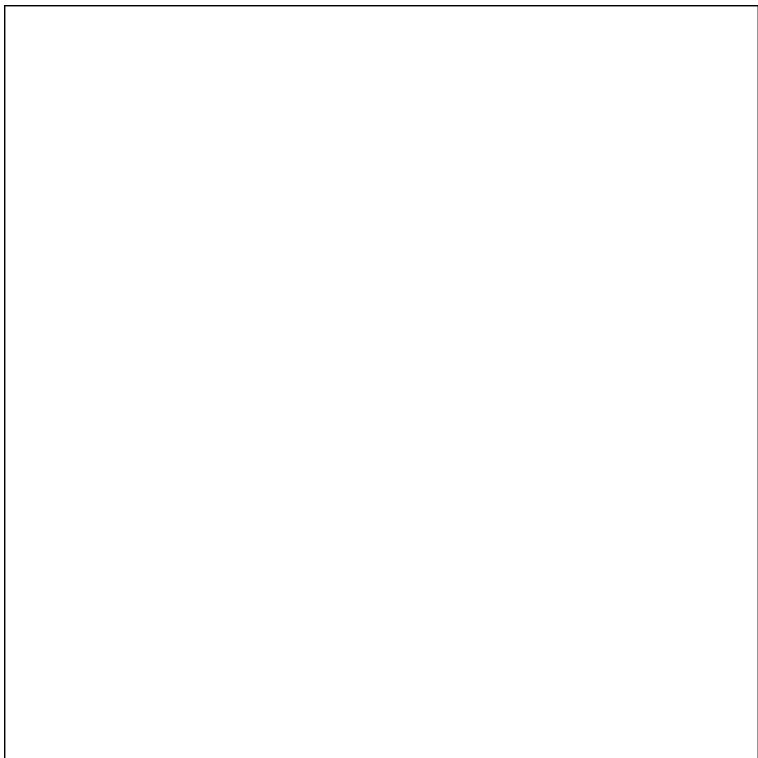
هی، از بجه بلیط فروشی واسه هر دو تا شون بلیط می خره.



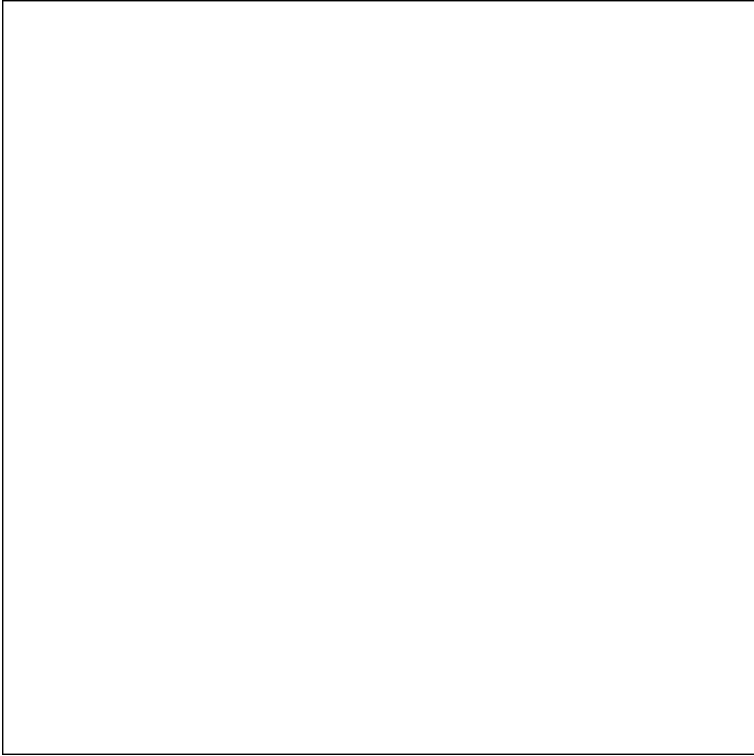
اون یک چکت بزرگ پف فیل هم میخره.



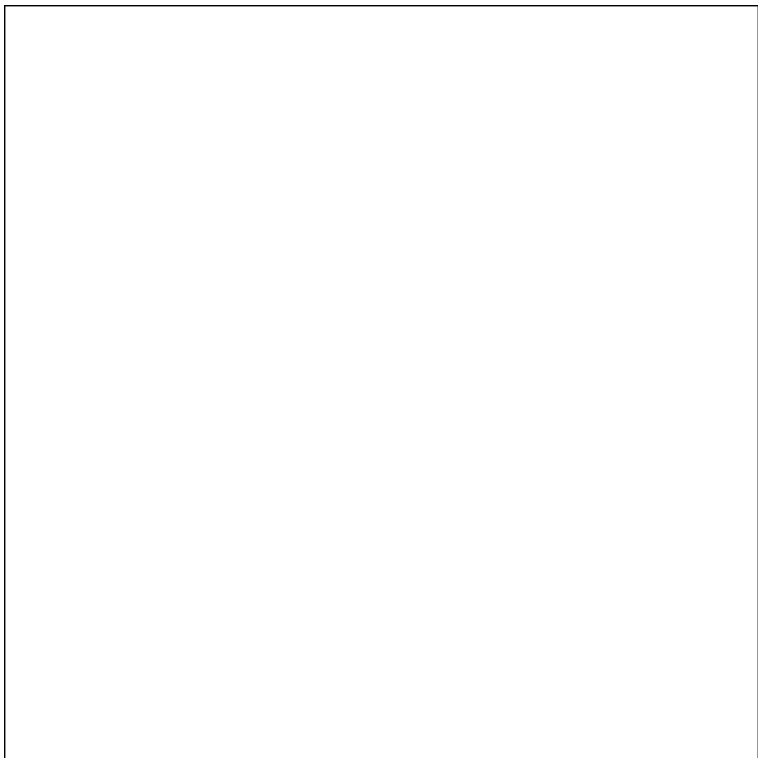
وقتی هی داره دونه آب گذدار می خره، لیزاچکت پف فیل رو نگه میداره.



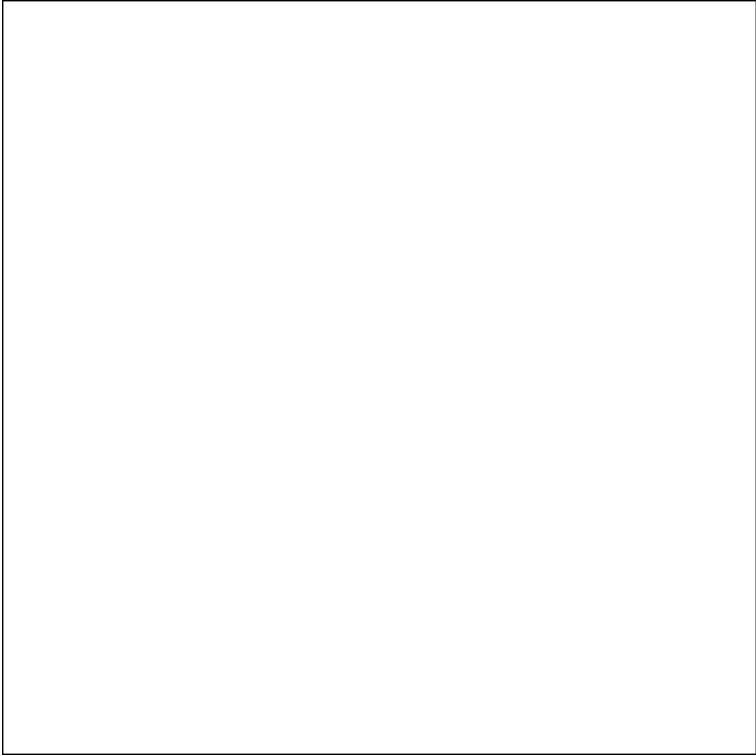
اونه قبل از رفتن داخل بدن تهندی فیلم، بلیطهشون رو نشون میدن.



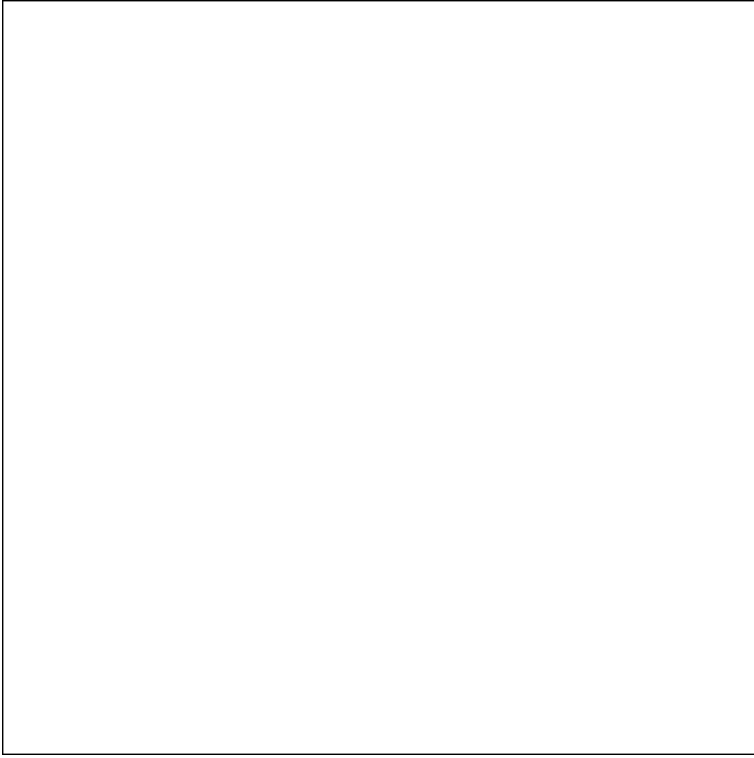
اونه دنجل صندلی ههشون میگردن. اونجندریکه، چون فیلم شروع شده.



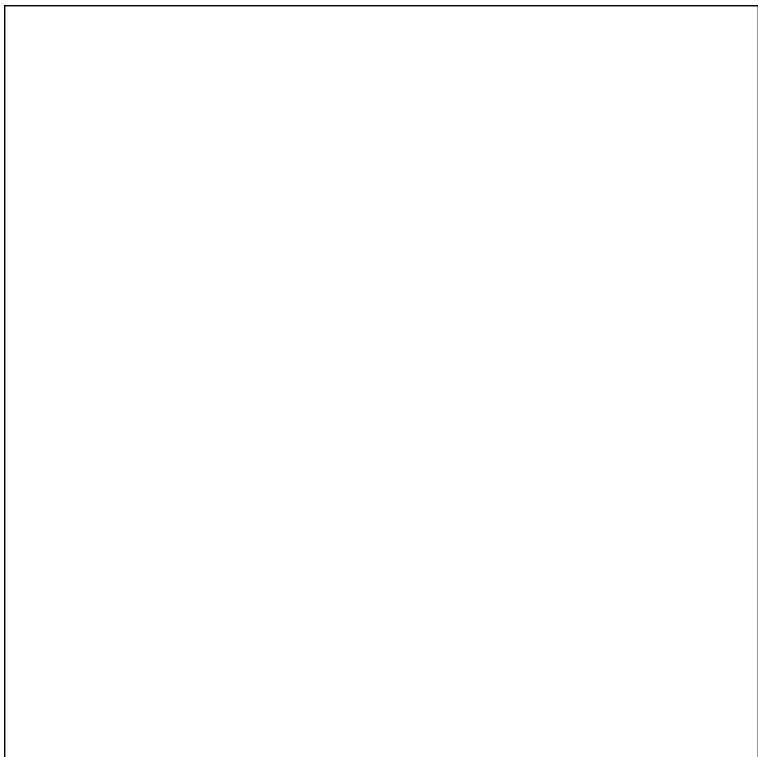
اونچ ميشينن آ فيلم رو بينن.



یه فیلم ده‌دهنه است. این ژانر مورد علاقه شونه.



بعد از فیلم از هم خدا حفظی میکنند و میرن خونه.





LIDA Stories

lidastories.net

رفتن به سینما

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakane

 Sam Saf

